

رحمانی روشن

پیرامون افسانه‌های مردم کولاب

افسانه یکی از منابع مهمی است که در طول تاریخ برای ماهیتاً دگرگون ساختن اندیشه و افکار انسان در هر دور و زمان نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده است. همین افسانه بود که انسان آرزوهای بزرگ خود را به واسطه‌های تکنیکی امروز مانند هواپیما، کشتی کیهانی، رادیو، تلویزیون، کامپیوتر و امثال اینها با خیال‌های رنگین در شکل «اسب بالدار»، سیمرغ دورپرواز، «طوطی سخنگو»، «جام جهان‌نما»، «نامه زودرس» را در آن پرورده است.

در کولاب و منطقه‌های دیگر ختلان زمین‌هاست که افسانه این وظیفه را به طور شفاهی اجرا کرده است. از این رو لازم است که به طور جدی به آن پرداخته شود و جایگاه اصلی آن را در روزگار مردم نشان داد که برای این کار پیش از همه، جمع آوردن، نشر کردن و سپس مورد بررسی قرار دادن متن‌ها ضرور است.

گردآوری فولکلور مردم ختلان از سالهای دهه بیست توجه محققان را به خود جلب نموده است. طوری که مدیر بنیاد فولکلور تاجیک ف. مرادی اشاره می‌کند، در دهه بیست قرن ۲۰ از جانب عبدالله نارمت، شریف اسرار، برهان‌اف، قربانشاه جیان‌شاه، دولت‌شاه جیان‌شاه، خیرالدین قره و دیگران از منطقه‌های کنگورت، بلجوان، دشت جُم مواد گوناگون فولکلوری گردآوری شده است که همگی ۳۲۰ صفحه را در بر گرفته که بخشی از آنها افسانه‌ها می‌باشند [مرادی، ۱۹۹۸، ص ۱۲۳].

به قول ایشان در سالهای پسین سی ل. بزرگزاده و سالهای بعد ر. امان‌اف، ن. معصومی، ش. نیازی، ص. طبراف، ن. نورجان‌اف، ش. شرف، ب. تلّواف، ب. شیرمحمداف، س. مهدی‌اف، م. خال‌اف، ر. احمداف، ه. رحمت‌اف، ج. ربیع‌اف، س. فتح‌الله‌اف، د. عابداف، ت. اسرائیل‌اوا، خ. آته‌خان‌اوا، ا. شوارتز، ف. مراداف، م. میرکمال‌اوا، ق. حسام‌اف، ک. رحیم‌اف و دیگران در ناحیه‌های گوناگون ختلان زمین تحقیقات علمی و میدانی نموده، متن‌های زیاد فولکلوری را

ثبت کرده‌اند. در میان این متن‌ها، افسانه نقش سزاواری را داراست. ولی صد افسوس که تا به حال مجموعه علمی افسانه‌های این منطقه که غنی‌ترین منبع در تاجیکستان است، به نشر نرسیده است.

در اینجا خود از خود مسئله مورد پژوهش قرار دادن متن‌های بنیاد فولکلور تاجیک پیش می‌آید. به نظر ما در این باره اثری مستقل باید تألیف نمود. هر پژوهنده‌ای که به این کار مشغول می‌شود، تاریخچه گردآوری متنهای فولکلور تاجیک را می‌تواند از سالهای آغاز ثبت تا به امروز با جدول‌ها ارزیابی نماید. همچنین درباره گویندگان، ثبت کنندگان، مهارت بیان سالهای پیشین به طور جداگانه سخن راند. اکنون ما می‌خواهیم در این مقاله فقط راجع به افسانه‌های نشرشده این منطقه اشاره‌ای کرده و نیز به مسائلی که محققان باید توجه نمایند، خواهیم پرداخت.

متأسفانه در مجموعه‌هایی که در سالهای دهه ۵۰ تا ۷۰ چاپ شده‌اند، افسانه‌های این منطقه کمتر به نشر رسیده‌اند. حتی در مجموعه علمی با عنوان «ایجادیات دهنکی (شفاهی) اهالی کولاب» که دو بار به نشر رسید، نمونه‌های افسانه‌های این منطقه آورده نشده است [رک: ایجادیات کولاب، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۳].

مجموعه افسانه‌های خلق تاجیک از سالهای دهه پنجاه تا به امروز با ویراستاری و بازگویی رجب امان‌اف بارها نشر شده است که در آن افسانه‌های منطقه‌های ختلان‌زمین نیز موجود است، ما از آنجا که این مجموعه‌ها اساساً برای عموم خوانندگان است و در آن راجع به گویندگان و مکان ثبت معلوماتی نیست، نمی‌توان مشخص نمود که این افسانه‌ها متعلق به کدام منطقه و مکان است..

سال ۱۹۶۳ کتاب ر. امان‌اف با نام «رسالة ایجادیات دهنکی (شفاهی) کولاب» (بر اساس مواد فولکلور سرخ حصار) از چاپ بر آمد. این اثر پرارزش نخستین کتابی است که مؤلف بی‌واسطه بر اساس مواد گردآورده خود و همکارانش، مشاهده‌ها و شنیده‌های خویش نوشته است. باب ششم کتاب مذکور به افسانه‌ها اختصاص دارد و در بخش علاوه‌ها (علاوه ۲) با لهجه محلی افسانه‌های «نخوتک»، «قلیچ‌بهلوان»، «بُلبُک سرگشته»، «خوتک»، «روباه»،

«زن حيله گر» و نیز چند افسانه بی‌عنوان را آورده است که همگی ده متن را در بر می‌گیرد. ر. امان‌اف در پاورقی هر صفحه آن متن‌ها کلمه‌های لهجه‌ای را شرح داده است. یک نکته خیلی مهم کار ر. امان‌اف در آن است که در آخر کتاب در باره مهارت شخصیت هر راوی و نام افسانه‌های بعضی گویندگانی که حتی از ایشان افسانه ثبت نکرده، اطلاعاتی می‌دهد. حتی او نمونه‌هایی از عکس‌های بعضی از افسانه‌گویان را نیز در کتاب خود آورده است [رک: امان‌اف، ۱۹۶۳]. اگر از هر منطقه چنین معلوماتی را محققان دیگر نیز انتشار می‌دادند، راجع به تاریخ بررسی افسانه‌شناسی تاجیک اطلاع بیشتری در دست می‌داشتیم.

خصوصاً مشاهده‌های استاد ر. امان‌اف در باره گویندگان افسانه جالب است. یعنی توسط چنین معلوماتی ما می‌توانیم محیط جامعه سالهای دهه پنجاه را با سالهای گذشته و یا امروز مقایسه کنیم و مسیر جامعه را بر اساس این گونه مواد تا حدی مشخص نماییم. طبق معلومات ر. امان‌اف در آن سالها افسانه همدم خردسالان بوده است: «افسانه‌گویی را سرخ‌حصاری‌ها از دوران کودکی حفظ می‌کنند. کودکان سرخ‌حصار وقتی که از بازی‌های پر جنب و جوش فارغ می‌شوند و یا هنگامی که برای این گونه بازی‌ها امکانات ندارند (در موسم زمستان و روزهای بارش) در جایی (در خانه یکدیگر، صحرا، باغ، لب چشمه، ساحل جویبار، بام) گرد آمده، افسانه‌های از کلانسالان شنیده‌شان را برای یکدیگر نقل می‌کنند. آنها این کار را از جمله شوق‌انگیزترین مشغولیت‌های خود می‌دانند. ظاهراً با همین سبب است که هر بچه برای بیش از پیش کاملتر کردن ذخیره افسانه‌های خود کوشش می‌کند و با این مقصد به هر جایی که افسانه می‌گویند، حاضر می‌شود. بسیاری وقتها خود کودکان نزد افسانه‌دان‌ها آمده، بعضاً هدیه‌ای (چیزی خوردنی) با خود آورده، از او خواهش می‌کنند که افسانه‌ای برایشان نقل کند» [امان‌اف، ۱۹۶۳، ص ۱۳۳].

این گونه مشاهده‌های رجب امان‌اف زیاد است. از گفته‌های ایشان معلوم می‌شود که در زندگی معمولی مردم سرخ‌حصار و گرد و اطراف آن نقل افسانه خیلی رایج بوده، اشخاصی بوده‌اند که متن‌های زیاد افسانه‌ها را در یاد داشته‌اند.

استاد نه فقط درباره افسانه‌گویان حوزه تحقیق خود، بلکه راجع به گویندگان روستاهای ناحیه‌های دیگر نیز معلومات می‌دهد و مشاهده‌های خود را نسبت به مهارت آنها بیان می‌دارد. یکی از آنها از روستای محنت‌آباد ناحیه مسکو عاقل‌اف سعیدامیر می‌باشد که ر. امان‌اف نظر خود را در باره او چنین بیان می‌کند: «عاقل‌اف عادتاً چارزانو نشسته و دست به روی زانوها گذاشته، گاهی به دستان خود تکیه‌کنان کمی به پیش خم شده، چشم به روی شنوندگان دوخته نقل می‌کند و به مقصد به یک طرز غلطی منظور کناندن رفتار قهرمان‌های افسانه نمود (چهره) خود را تغییر می‌دهد» [امان‌اف، ۱۹۶۳، ص ۱۳۳].

چنین اشخاص طبق پرسش‌ها و مشاهده‌های اخیر ما حالا نیز در بین مردم کولاب زیادند. خوب می‌بود که پژوهندگان تا حد امکان برای گرد آوردن و مورد بررسی قرار دادن متنهایی که در ذهن آنها محفوظ است و فعالیت ایجادی آنها تلاش می‌ورزیدند. چون که هر یک از مواد برای درک بیشتر روزگار نسل‌های گوناگون و بخصوص تاریخ اخلاقی شفاهی آنها یاری می‌رساند. مثلاً بر اساس همین مواد موجود نیز می‌توان راجع به اندیشه و افکار چند نسل ابراز نظر کرد. مشاهده‌های ما نشان داد که نسل کلانسال نسبتاً بیشتر افسانه می‌دانستند و نسل‌های بعدی کمتر و هر قدر که دانستن افسانه کاهش یابد، همان قدر اخلاق سنتی نسل بعدی نیز دیگرگون شده، پایه آداب سنتی آنها نیز سست می‌گردد. ما خانواده‌هایی را مورد بررسی قرار دادیم که هر چند کم، اما افسانه‌گویی وجود داشت. در چنین حالتی مشاهده شد که پیوندهای سنتی اخلاقی میان اعضای خانواده بیشتر بود که البته چنین مشاهده‌ها نیاز به تحقیقات گسترده‌تر و دقیق‌تر دارد.

در سال ۱۹۸۰ متن انتقادی جلد اول «کلیات فولکلور تاجیک» در شهر مسکو به چاپ رسید. این اثر به اصطلاح ما به «افسانه‌مثل‌ها» (افسانه‌های تمثیلی) و یا به اصطلاح پژوهندگان به «مثل و افسانه‌ها در باره حیوانات» اختصاص دارد. حجم این رساله هر چند نسبتاً کم است، اما چند متن از مثلها و افسانه‌ها در باره حیوانات از منطقه کولاب نیز آورده شده است. [رک: کلیات، ۱۹۸۰].

در سالهای دهه هشتاد و نود قرن ۲۰ نیز از بین مردم کولاب افسانه خیلی کم گردآوری و نشر شده است. در سال ۱۹۹۰ مجموعه «فولکلور دیار واسع» از جانب س. چلیشاف منتشر شد. مجموعه مذکور از دو بخش: قسم اول از رباعیات، سرودها و بدیهه‌ها؛ قسم دوم از افسانه‌ها، لطیفه‌ها، نقل و روایت‌ها، عقیده‌های خلقی عبارت است. در این مجموعه دوازده افسانه البته به زبان ادبی دیده می‌شود. طوری که س. چلیشاف در پیشگفتار یادآور می‌شود: «مجموعه خصوصیت عاموی (عامیانه) دارد... نثر به زبان ادبی تحریر شد...» [فولکلور دیار واسع، ۱۹۹۰، ص ۴]. این مجموعه تا به حال یکی از کتابهای خواندنی خوانندگان پرشمار است.

موافق گزارش س. چلیشاف دانشجویان دانشگاه دولتی کولاب تا اول سالهای دهه نود به کار میدانی می‌پرداختند [رک: فولکلور دیار واسع، ۱۹۹۰، ص ۳]. شاید در این سفرها مواد جالبی درباره افسانه‌ها نیز به دست آمده باشد، اما گزارشی در این زمینه در هیچ اثر علمی مشاهده نشده است.

سال ۲۰۰۲ مجموعه‌ای دیگر با عنوان «فولکلور دَنغَره» از جانب فولکلورشناس ف. مراداف به نشر رسید که در آن نیز در کنار ژانرهای دیگر فولکلوری، ۲۱ متن نثر شفاهی آورده شده است که اکثر آنها مربوط به ژانر افسانه می‌باشد.

مجموعه‌هایی که از جانب س. چلیشاف و ف. مراداف تهیه شده، از پیشگفتار و بعضی شرح و توضیحات مختصر عبارت است ولی علی‌رغم این که راجع به افسانه و خصوصیت‌های خاص آن در ناحیه‌های ختلان زمین، به گونه‌ای که در بررسی ر. امان‌اف دیده می‌شود، اطلاعاتی مفصل وجود ندارد، اما نشر چنین مجموعه‌هایی برای تربیت ذوق زیبایی‌شناسی خوانندگان خیلی مفید است.

در سالهای اخیر پروفیسوران م. امام‌اف و ا. محمدامین‌اف مشغول به گردآوری متن‌های ادبیات شفاهی، از جمله افسانه‌های ناحیه‌های اطراف کولاب هستند تا حتی‌الامکان نمونه‌های دسترس‌شده را از دست فراموشی نجات دهند.

نگارنده چند سالی است که به گردآوری مواد فولکلوری مشغول است و اکنون در دست ما چند نمونه از افسانه‌های ناحیه‌های گوناگون در دست است. اکثر مواد در نوار ثبت شده است و برخی از آنها به صورت ویدئویی می‌باشند. بعضی از نمونه‌های آن در گاهنامه «مردم گیاه» نیز چاپ شده است. همچنین ما از شاگردان خود د. رحیم‌اف و گ. غریب‌مداوا خواهش کردیم که هنگام سفرهای خود به منطقه کولاب حتماً به ژانر افسانه و گویندگان آن اهمیت دهند و هرچه بیشتر ثبت کنند.

مشاهده‌ها نشان داده است که افسانه در بین جوان‌ها سال به سال کاهش می‌یابد. جوانان افسانه‌های در کودکی شنیده خود را نیز در ذهن ندارند، یا کمتر به خاطر دارند. جای افسانه را به سرعت واسطه‌های تکنیکی می‌گیرد. پس ما نیز باید با سرعت کار کنیم. هر بزرگسالی که افسانه می‌داند، او را غنیمت دانیم، هرچه در حافظه اوست ثبت کنیم.

از دیده‌ها، شنیده‌ها، پرسش‌ها به چنین نتیجه رسیدیم:

۱. هنوز هم افسانه در بین مردم کولاب معمول است و البته طبیعی است که نه همه مردم افسانه می‌دانند. افسانه دانستن و نقل کردن آن نیز مهارت می‌خواهد. ما باید چنین اشخاصی را جستجو کنیم. این ژانر در حافظه کسانی که سن و سالشان از ۵۰ بالا است، بیشتر باقی مانده است. چونکه این گونه اشخاص در روند سنت افسانه‌گویی زندگی کرده‌اند، شنیده‌اند و سنت‌ها را تا حدی رعایت نموده‌اند. نباید فراموش کرد که برخی طبیعتاً سنت‌های پیشین را از نسلی به نسلی انتقال می‌دهند، مثل طبیبان مردمی، فالبین‌ها، نوازندگان، آوازخوان‌ها و امثال اینها، البته وابسته به خاطره. کسانی نیز هستند که خاطره ضعیف دارند و سن و سالشان هم بالاست، طبیعی است که افسانه نمی‌دانند یا از یادشان رفته است.

۲. در بین شخصانی که از ۳۰ سال تا ۵۰ سال عمر دارند نیز دانندگان افسانه هستند. حتی بعضی از آنها چندین افسانه می‌دانند، ولی از سبب گرفتاری در زندگی نقل نمی‌کنند. در کودکی و جوانی به شنیدن و نقل کردن آنها میل داشتند، از این رو در خاطره آنها نیز افسانه‌ها باقی مانده است. گاهی آنها بعضی لحظه‌های افسانه‌ها را فراموش می‌کنند و یا با افسانه دیگر درمی‌آمیزند و البته این را در بین همه گویندگان می‌توان مشاهده کرد. برخی از

این اشخاص یادآور می‌شوند که در خردی افسانه زیاد می‌دانستند و حالا از یادشان رفته است. سخن آنها کاملاً درست است. در اینجا همان ضرب‌المثل مشهور به یاد می‌آید که «عالم باشی تکرار کن، دهقان باشی شدگار کن». افسانه هم تکرار به تکرار بیان نگردد، از خاطرها فراموش می‌شود.

۳. در بین اشخاص از ۱۸ تا ۳۰ ساله افسانه خیلی کم به نظر می‌رسد. اکثر آنها به شنیدن و نقل کردن افسانه توجه کمتری دارند. سبب این است که آنها بیشتر به واسطه‌های تکنیکی به مانند رادیو و تلویزیون و ویدئو و در سالهای اخیر به کامپیوتر میل دارند. البته این نظر ما نسبی است. در روستاها گاهی اشخاصی با این سن و سال را می‌توان یافت که افسانه می‌دانند، زیرا هنوز تحت تأثیر واسطه‌های تکنیکی سخت گرفتار نشده‌اند.

۴. خیلی جالب است که در بین خردسالان و جوانانی که از ۴ تا ۱۵ سال دارند نیز ادامه داشتن سنت افسانه‌گویی را می‌توان مشاهده کرد. اگر در خانواده‌ای کودک در محیط نقل پیرمرد و یا پیرزن افسانه‌گویی بزرگ شده باشد، طبیعی است که او تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در منطقه کولاب حالا بین روستا و شهر تفاوتی چندان عمیق به نظر نمی‌رسد و مردم نیز سنت‌های خود را نگاه داشته‌اند. از این رو، هرچه بیشتر در جستجوی افسانه باشیم، همان قدر فکر علمی ما نسبت به این ژانر کاملتر می‌شود.

باید خاطر نشان کرد که این مشاهد‌ها بر اساس دیده‌ها، شنیده‌ها و پرسش‌های سالهای گوناگون تنها یک نفر صورت گرفته است. برای خلاصه‌های عنیق و دقیق برآوردن کارهای میدانی لازم است، یعنی باید بین مردم رفت تا هر گفته با سند دقیق علمی عرضه شود. در آخر باید تأکید کرد که کودکان فطرتاً عاشق افسانه هستند که این پدیده در دگرگون‌سازی حیات معنوی آنها نقشی سزاوار دارد. این امر در تمام دنیا شناخته شده است. افسانه در تربیت کردن کودکان عاملی مؤثر در کنار تربیت والدین هستند.

برای در عمل جاری نمودن همه این کارها پیش از همه از بین مردم بیشتر افسانه ثبت کردن لازم است. اگر این متن‌ها در ویدئو ثبت شود، برای پژوهندگان مواد ارزنده علمی خواهد بود.

منابع:

۱. عینی ص. - کلیات. جلد ۶. یادداشت‌ها. دوشنبه، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۶۲.
 ۲. امان‌اف ر. - رسالهٔ ایجادیات دهنکی کلاب. (در اساس مواد فولکلور سرخاسار)، دوشنبه، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۶۳.
 ۳. کلیات فولکلور تاجیک - جلد ۱، مثل‌ها و افسانه‌ها در بارهٔ حیوانات / مرتبان ا. لیوین، ج. ربیع‌اف، م. یاوویچ. مسکو، ۱۹۸۱، ۳۸۹ ص (به زبان تاجیکی و روسی).
 ۴. مردم‌گیاه - گاهنامهٔ علمی و عاموی فرهنگ مردم. ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ در ۶ جلد چاپ شده است.
 ۵. مرادی ف - در بارهٔ بنیاد فولکلور تاجیک // مسئله‌های فولکلور کشورهای فارسی‌زبان (مجموعهٔ مقالات). کتاب اول. دوشنبه، رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در تاجیکستان، ۱۹۹۸، ص ۱۲۳-۱۳۰.
 ۶. مصطفی‌قل ش. کاش بیبی مرجانی زنده می‌بود... // مردم‌گیاه، ۱۹۹۴، شمارهٔ ۱ و ۲، ص ۱۲۵-۱۲۸.
 ۷. رحمانی ر. شؤغات (افسانه‌های فارسی و مهارت یک افسانه‌پرداز ایرانی). دوشنبه، ۱۹۹۶.
 ۸. رحمانی ر. شگهای بخارا در ثبت روشن بجمانی (گردآوری و پژوهش). مشکو، ۱۹۹۷.
 ۹. رحمانی ر. (رحمان‌اف ر.). افسانه و... مردم فارسی‌زبان. مسکو ۱۹۹۸.
 ۱۰. فولکلور دنگره / ف. مراداف. دوشنبه؛ ۲۰۰۲.
 ۱۱. فولکلور دیار واسیع / س. چلیش‌اف. دوشنبه، ۱۹۹۰.
 ۱۲. ایجادیات کولاب - ایجادیات دهنکی اهالی کولاب / ر. امان‌اف، استالین‌آباد، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۶.
 ۱۳. ایجادیات کولاب - ایجادیات دهنکی اهالی کولاب / ر. امان‌اف، ف. مراداف. دوشنبه، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۶۳.
14. Mills and Rahmoni 2000- Mills Margaret A. & Rahmoni R. Conversations with Dauvlat Khalav. Oral narratives from Tajikistan. Moskow: Publishing house "Humanitary", 2000.